

روزگار میرزا در آستانه شکل‌گیری نهضت جنگل

۱۹ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۰۱

کوچک جنگلی از مجاهدان مشروطیت و رهبر قیام جنگل بود؛ نامش یونس و معروف به میرزا کوچک خان فرزند میرزا بزرگ از مردم رشت و ساکن استادسرا بود.

در سال ۱۲۹۸ هجری قمری (۱۲۶۰ شمسی) به دنیا آمد. پدرش میرزا بزرگ نزد عبدالوهاب مستوفی (مسئول دفاتر مالیاتی آن روز گیلان) به تحریر و انشا اشتغال داشت و به مناسبت این نام پسرش نیز به میرزا کوچک شهرت یافت. ۲

در اوان کودکی و جوانی در صالح آباد رشت و مدرسه جامع و مدرسه محمودیه تهران صرف و نحو و مقدمات علوم دینی را فراگرفت، اما حوادث و انقلاب‌های کشور مسیر افکارش را تغییر داد و به صف مجاهدان مشروطیت پیوست. هنگام بمباران مجلس شورای ملی در قفقاز بود و اقامتش در تفلیس و بادکوبه وی را با ترقیات دنیای جدید آشنا ساخت. ۳ کوچک جنگلی مردی قوی بنیه، زورمند، بلند قامت و چهار شانه بود، چشمانی زاغ و مویی گندم‌گون داشت. همیشه خندان به نظر می‌رسید. در بیان خوش‌لهجه مثل این‌که دارای قوه مغناطیسی است و می‌توانست مخالفین خود را اغلب با سخن تسخیر کند. ۴

روز ششم آذر ۱۲۹۰ شمسی / ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱ روسیه طی اولتیماتومی برای قبول سه شرط ذیل به دولت ایران ۴۸ ساعت مهلت داد.

۱ - اخراج شوستر و لکفر از ایران.

۲ - کسب موافقت قبلی از دولت‌های روس و انگلیس برای استخدام اتباع خارجی.

۳ - پرداخت هزینه و خسارت لشکرکشی روسیه به ایران.

به همین منظور از طرف دولت تقاضای تشکیل جلسه فوق‌العاده می‌شود. مجلس شورای ملی جلسه فوق‌العاده را روز جمعه نهم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۹ مصادف با ۹ آذر ۱۲۹۰ تشکیل می‌دهد. مجلس ۵/۱ ساعت قبل از ظهر تحت ریاست مؤتمن‌الملک افتتاح

در این جلسه پیشنهاد متین السلطنه مبنی بر پذیرش بخش‌هایی از خواسته‌های روسیه و پیشنهاد حاج عزالممالک مبنی بر رد اولتیماتوم به رای گذاشته شد که اولی رد و دومی پذیرفته شد.

متعاقب این تصمیم ۹ آذر ۱۲۹۰ ارتش روسیه استان گیلان (انزلی و رشت) را به اشغال خود در آورد. پس از اشغال مردم گیلان از دست ظلم و ستم روس‌ها به تنگ آمده بودند و تمام خوانین گیلان که دارای ثروت بودند تبعه روس‌ها می‌شدند. فقط یک مشت مردم فقیر و کاسب در رشت می‌گفتند که ما ایرانی هستیم اما دستشان به جایی نمی‌رسید. حکومت رشت از طرف دولت ایران قادر نیست حتی یک نفر از تبعه خارجه را به دارالحکومه اعزام دارد، ولی قشون روسی مقیم گیلان هر یک از افراد ایرانی را که بخواهد دستگیر کرده و اسیر بکند، می‌تواند و کسی هم قادر نیست که بگوید این کار را چرا کردید و اساساً حدود گیلان را روس‌ها از آن خود می‌دانند. ۶ در همین راستا میرزا کوچک خان به مدت پنج سال از رشت غیابی تبعید می‌شود. روس‌ها بعد از اولتیماتوم معروف و کشتن جمعی آزادیخواه و عدم موفقیت به دستگیری بعضی‌های دیگر، حکم غیابی برای چند نفر از آن جمله مرحوم کوچک خان صادر کرده بودند که پنج سال از آمدن به گیلان ممنوع باشد. ۷

۷ دی ۱۲۹۰ شمسی قوای روسیه تهران را نیز اشغال نظامی کرد. از ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۳، سه سال بخش شمالی کشور ایران و تهران پایتخت به وسیله قوای روس به اشغال این کشور درآمد. در سال ۱۲۹۳ شمسی ارتش روسیه از تهران عقب‌نشینی کرد، ولی همچنان شمال ایران در اشغال روسیه بود. پس از سه سال انحلال مجلس شورای ملی، انتخابات مجلس سوم برپا شد.

در چنین شرایطی در سال ۱۲۹۲ شمسی میرزا طاهرتنکابنی، میرزا کوچک‌خان را به همراه علی دیوسالار (سالارفاتح) به مازندران اعزام کرد تا در سراسر شمال هسته‌های مقاومت تشکیل دهد و با بسیج و سازماندهی نیروهای شمال زمینه آماده و مانند صدر مشروطه تهران بار دیگر فتح شود. این طرح مورد حمایت هیات اتحاد اسلام نیز قرار گرفته بود.

در همین ایام پس از جلسه مشورتی قرار بر این شد که عده‌ای از مردان فداکار و با سابقه داوطلب رفتن به شمال شوند تا با اقدامات لازم جلوی پیشروی قشون تزاری روس را بگیرند و در نتیجه ۴۶ نفر از مجاهدین معروف خود را معرفی کردند و نواحی شمال و آستارا تا بندرگز به پنج قسمت و تحت نظر پنج نفر از افراد زیر قرار گرفت.

۱ - اسماعیل خان مجاهد قسمت آستارا و اردبیل.

۲ - میرزا کوچک خان گیلان و طوالش.

۳ - دکتر حشمت طالقانی و جواد خان تنکابنی لاهیجان، رانکره و دیلمان.

۴ - میرزا علیخان دیو سالار مشهور به سالار فاتح محل ثلاث تنکابنکلا رستاق و کجور.

۵ - اسماعیل خان امیر مؤید، سواد کوه، ساری، بار فروش (بابل).

طرفداران دولت تزاری روس نیز بیکار ننشسته، علیه دسته‌های مزبور دست به کار شدند چنان که اسماعیل خان مجاهد به محض ورود به اردبیل، حکومت دست‌نشانده روس‌ها او را دستگیر و اعدام کرد.

دکتر حشمت با وسایل و سوابقی که داشت به لاهیجان رسید و جوادخان چون به شهرستانک رسید مریض شد و بعد از بازگشت به تهران درگذشت.

میرزا کوچک‌خان در بین دوستان و هم مسلکان خود به سالار فاتح بیش از همه معتقد بود، راجع به مشکل حرکت خود با وی مشورت کرد و او پیشنهاد داد که به اتفاق هم به مازندران بروند و چون جنگل مازندران با جنگل گیلان اتصال دارد و از جاده کنار دریا به گیلان بروند و اگر از این طریق هم نشد در کجور قیام می‌کنند و پس از فتح تنکابن به گیلان بروند با رعایت آن که چون تحت نظر جاسوسان بودند.

میرزا کوچک‌خان این نقشه را پسندیده همان ساعت مشهدی ابراهیم نوکر میرزا کوچک‌خان به اتفاق درویش نوکر سالار فاتح چهار رأس از اسب‌های سالار فاتح را برای هزار دره جاجرود حرکت داده و سالار فاتح و میرزا کوچک‌خان با درشکه‌ای که متعلق به یکی از دوستان سالار فاتح بود و در اختیار او گذاشته بودند هنگام غروب حرکت کردند.

از حرکت این دو مجاهد فقط میرزا احمد خان دیوسالار برادر سالار فاتح عضو جمعیت اتحاد اسلام و رئیس اداره تأمینات آگاه بود.

سالار و میرزا با درشکه حرکت و چهار ساعت بعد به میعادگاه با درویش و مشهدی ابراهیم رسیدند و از آنجا در شبی تاریک و بسیار سرد به حرکت خود ادامه داده و بدون توقف دو ساعت به غروب فردا وارد قریه مشاء شدند. هنوز زین اسب‌ها گرفته نشده که قاصد میرزا احمدخان دیوسالار رسید و اطلاع داد که دو افسر و ۳۰ نفر قزاق برای دستگیری آنها حرکت کرده‌اند. این چهار نفر سوار اسب‌ها شده به طرف مازندران حرکت کردند و پس از ۱۵ ساعت به قریه عمارت چهار فرسنگی آمل رسیدند و پس از توقف یک‌ساعته چهار ساعت بعد به قریه هسفای - نور رسیدند.

قریه هسفا محل سکونت قشلاقی طایفه کوزه‌گرهای کالج و چند خانوار از طایفه دیو سالار بود.

پس از دو سه روز توقف و استراحت قاصدی به کجور شش فرسنگی این قریه نزد ابراهیم خان ضیغم السلطان دیو سالار(پسر عموی

سالار فاتح) فرستادند که فوری با عده‌ای تفنگچی در شورستاق حاضر شود.

فردا شب ضیغم السلطان با تعدادی تفنگچی به وعده‌گاه آمد و سالار فاتح و میرزا کوچک خان به تیرکده محل ضیغم السلطان وارد شدند.

قزاق‌ها که به تعقیب سالار و میرزا تا پلور پیش آمده بودند، صلاح خود را در این دیدند که به تهران برگردند.

میرزا کوچک خان ۲۵ روز در تیرکده توقف داشت و اول صبح هر روز پس از ادای فریضه از اطاق بیرون می‌آمد و راهپیمایی می‌کرد. از این محل تا لب دریا که ۵/۳ کیلومتر فاصله داشت راه می‌رفت و برمی‌گشت و پس از صرف صبحانه به اطاق سالار فاتح می‌رفت و شخص ثالثی حق ورود به آن را نداشت. حتی چای و آب‌جوش هم پهلویشان بود. پس از صرف ناهار دو ساعت به غروب مانده میرزا به سمت کوه راهپیمایی می‌کرد، ۵/۲ کیلومتر راه می‌رفت و بر می‌گشت.

میرزا پس از ۲۵ روز توقف عازم لاهیجان شد و سالار فاتح به خانه میرزا هادی خان دبیر اکرم کاویانپور رفت.

میرزا هادی خان دبیر اکرم کاویانپور از افراد با دانش طایفه کالجی منتسب به طایفه دیوسالار و از کسان بسیار نزدیک سالار فاتح و معاون گمرک شهسوار بود.

میرزا بعد از رسیدن به لاهیجان به دکتر حشمت پیوست. میرزا سپس از لاهیجان عازم رشت شد و در آنجا بنیان جنگل را گذاشت. ۹.

محمدحسن صبوری دیلمی در کتاب نگاهی به درون خود، تاریخ اعلام موجودیت نهضت جنگل را در سال ۱۳۳۲ مصادف با ۱۲۹۳ می‌داند. ۹.

نهضت جنگل از اعلام موجودیت خود در سال ۱۲۹۳ تا ۱۱/۱۱ آذر/۱۳۰۰ هفت سال به طول کشید. با شهادت میرزا کوچک خان در یازدهم آذر ۱۳۰۰ این نهضت به پایان رسید. یکی از دشمنان این نهضت دولت بریتانیا بود و در طول این نهضت هم مستقیم و هم غیر مستقیم در سرکوب نهضت جنگل نقش فعالی داشت. برای آگاهی از طرز تفکر دولت انگلیس نظر شما را به این سند جلب می‌کنیم.

تاریخ ۱۳۴۰ ه ق

فرستنده: تلگراف از لندن

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مبنی بر کشته شدن میرزا کوچک خان

نمره: ۱۱۵

تایمز می‌نویسد، قزاق‌های ایرانی کوچک خان را دستگیر و سر او را بریده به رشت آوردند. امضا

[حاشیه] - بریدن سر را تکذیب و مختصر بنویسد در کوه تلف شده است. ۱۰

نهضت جنگل مورد حمایت برخی از روحانیون بلندپایه از جمله آیت‌الله مدرس قرار داشت، برخی با ارسال سوال برای آیت‌الله مدرس از وی در مورد حقانیت این حرکت می‌پرسند. در این سوال آمده است:

سوال: آیا محاربه با جمعیتی که پنج سال است به نام اتحاد اسلام و جنگلی‌ها در حدود گیلان قیام کرده و عملاً خودشان را به تمامی اهالی ایران معرفی کرده و جز حفاظت نوامیس اسلامی و خواست استقلال مملکت و دفاع از مقابله با دشمنان ایران و اسلام و قطع نفوذ و مداخله ظالمانه و تعدیات جابرانه اجانب مقصد و مقصودی نداشته و ندارد و فقط جمعیتی که در تحت تأثیرات دیگری نبوده فقط به قوای مادی و معنوی ایرانی اتکا و اتکال داشته و حقیقت موجب افتخار و شرافت ایران و ایرانی است چه صورت دارد؟ آیا محاربین با این جمعیت در حکم محارب و محاربه با امام زمان(ع) خواهد بود، حکم او را بیان کنید.

آیت‌الله مدرس هم در پاسخ می‌نگارد: حقیر از آقای میرزا کوچک خان و از اشخاصی که صمیمانه و صادقانه با ایشان هم‌آواز بودند نیت سویی نسبت به دیانت و صلاح مملکت نفهمیدم بلکه جلوگیری از دخالت خارجه و نفوذ سیاست آنها در گیلان عملیاتی بوده بس مقدس که بر هر مسلمانی لازم، خداوند همه ایرانیان را توفیق دهد که نیت و عملیات آنها را تعقیب و تقلید کند. پر واضح است که طرفیت و ضدیت و محاربه با همچه جمعیتی مساعدت با کفر و معاندت با اسلام است.

فی شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۸

سید حسن مدرس

جای مهر، سید حی ابن اسمعیل طباطبائی ۱۱

۱ - لغتنامه دهخدا - كوچك جنگلی / ۲ - تاريخ انقلاب جنگل تالیف محمد گیلک نشر گیلکان ص ۳ / ۷ - لغتنامه دهخدا - كوچك جنگلی / ۴ - تاريخ انقلاب جنگل ص ۵ / ۷ - مشروح مذاكرات مجلس شورای ملی دوره دوم جلسه ۳۲۹ / ۶ - نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل اثر مرحوم محمد حسن صبوری دیلمی ص ۷ / ۲۲ - تاريخ انقلاب جنگل ص ۸ / ۱۷ - نشریه زبان و ادبیات ارمغان تیر الی دی ماه ۱۳۴۴ / ۹ - نگاهی از درون ص ۱۰ / ۲۲ - نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه به كوشش رقیه سادات عظیمی ص ۱۱ / ۲۷۵ - همان ص

منبع:جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۹۳۴/روزگار-آستانه-میرزا-رؤزگار> جنگل - نهضت - گیري - شكلا - آستانه - میرزا - روزگار